

## تنش سیاسی میان ایران و سوئد، و وظایف ما!

### داریوش ارجمندی

هفته گذشته، دولت سوئد اقدام به اخراج کاردار بازرگانی سفارت خانه جمهوری اسلامی ایران در استکهلم نمود. براساس گزارش خبرگزاری فرانسه در این رابطه، فرد مذکور، در چند نوبت تلاش به خرید تجهیزات کرده بود که می تواند در زمینه ساخت سلاح های کشتار جمعی مورد استفاده قرار گیرند.

### سکوت سوئد!

مسئله جالب توجه در این میان این بود که دولت سوئد، علی رغم اهمیت بالای مسئله، با سکوت از کنار آن گذشت. ماجرای اخراج کاردار ایران، اساساً سروصدایی در رسانه های گروهی سوئد برپا نکرد. تنها دور روز بعد از تصمیم دولت سوئد، هنگامی که دولت اسلامی ایران نیز در یک عمل تلافی جویانه اقدام به اخراج یکی از کارمندان سفارت خانه سوئد در تهران نمود، خبرگزاری سوئد، آنهم به نقل از خبرگزاری فرانسه، خبر این ماجرا را بطور خلاصه و بدون آبتاب مخابره کرد. به عبارت دیگر روشن شد که سوئد به هیچ وجه مایل نیست که موضوع کوچکی! همچون خریداری سلاح های کشتار جمعی از سوی ایران، خدشه ای در روابط گرم و صمیمانه دو کشور ایجاد کند. این مسئله در عین حال به معنای آن است که اتهامات وارده به کاردار ایران، بدون هیچگونه شک و تردیدی، صحت داشته است، چراکه سوئد با محافظه کاری خاصی که در این گونه موارد از آن سراغ داریم، اگر کوچکترین شبهه ای در مورد عدم صحت اتهام مورد بحث وجود داشت، اساساً اقدام به اخراج کاردار ایران نمی کرد. نمونه ای از این محافظه کاری را در جریان آزادی تروریست های ایرانی از سوی دولت سوئد در اوایل دهه ۹۰ شاهد بودیم. تروریست هایی که در پی آزادی خود، امکان یافتند که فعالیت های خویش را در سایر کشورهای اروپایی ادامه دهند و از جمله جنایت میکونوس را بیافرینند (مشروح این ماجرا در اتحاد چپ کارگری شماره موجود است). گذشته از این، مروری بر کارنامه رژیم ایران، بخوبی روشن گر حقیقت ماجراست. اما در این میان آنچه مورد سؤال است این است که، در فضای موجود در جهان، در آستانه حمله آمریکا به عراق (آنهم به بهانه برخورداری عراق از سلاح های کشتار جمعی!)، و همچنین در شرایطی که آمریکا ایران را در کنار عراق بعنوان یکی از محورهای اهریمنی جهان نامیده، چگونه سران رژیم جمهوری اسلامی، به چنین اعمال «مخاطره آمیزی» دست می زنند؟ نخست ۵۰ تن محموله تسلیحاتی برای بنیادگرایان اسلامی در فلسطین ارسال می کنند و اکنون نیز تلاش می کنند تا به ذخیره سلاح های کشتار جمعی خود بیافزایند. اعمالی که اگر از سوی دولت عراق سر زده بود، هر کدام به تنهایی می توانست بهانه مورد نظر آمریکا را برای حمله فوری به این کشور فراهم کند.

### جمهوری اسلامی، معتمدین از حمایت های بین المللی!

واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی، بویژه در طول سال گذشته، از حمایت آشکار بین المللی برخوردار شده است. در عرصه های گوناگون، از عرصه اقتصادی گرفته، تا سیاسی و اجتماعی، دولت های سرمایه داری (بویژه اتحادیه اروپا)، و همچنین نهادهای قدرتمند اقتصادی همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، پشتیبانی تقریباً بدون و قید و شرط خود از رژیم ایران را آشکار ساخته اند:

در شهریورماه امسال، صندوق بین‌المللی پول گزارش سالانه خود در مورد ایران را منتشر ساخت. در این گزارش، دولت خاتمی مورد تمجید و تشویق صندوق بین‌المللی پول قرار گرفته بود. بویژه سیاست‌های خاتمی در زمینه خصوصی‌سازی و اصلاح قانون کار و ساختار اقتصادی، مورد تقدیر قرار گرفته بود، یعنی همان سیاست‌هایی که در تداوم سیاست‌های اقتصادی دولت رفسنجانی، وضعیت دهشتناکی را بر میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان کشور تحمیل کرده است. بعنوان نمونه در ادامه مصوبه مجلس مبنی بر خروج کارگاه‌های دارای کمتر از ۵ کارگر از شمولیت قانون کار، اکنون دولت و کارفرمایان اسلامی، در صدد اجرای آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار می‌باشند که براساس آن، کارگاه‌هایی دارای کمتر از ۱۰ کارگر، از بخش وسیعی از مزایای قانون کار محروم می‌شوند. به عبارت دیگر، کارگران شاغل در کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر، دیگر از مزایایی همچون حق بازنشستگی، حق اولاد، طبقه‌بندی مشاغل، مرخصی و امثالهم برخوردار نخواهند بود. بنابر آمار موجود، این طرح شامل نزدیک به ۴ میلیون کارگر می‌شود. ازم اکنون می‌توان انتظار داشت که صاحبان کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ کارگر به بالا، به منظور آنکه قانون جدید شامل حال آنها شود، به اخراج کارگران اضافی! بپردازند، یعنی تکرار همان فاجعه‌ای که پس از تصویب طرح خارج شدن کارگاه‌های کمتر از ۵ نفر از شمولیت قانون کار شاهد بودیم. در آن مقطع نیز تعداد کثیری از کارگران شاغل در واحدهای صنعتی کوچک که اکثر آنها را کارگران زن تشکیل می‌داند، از کار خود اخراج شدند و اکنون نیز در کنار محرومیت ۴ میلیون کارگر از ابتدایی‌ترین حقوق خود، باید در انتظار بیکاری گسترده تعداد زیادی از کارگران و زحمتکشان کشور باشیم.

در کنار این طرح‌های خانمان‌برانداز ضدکارگری، باید بیاد داشته باشیم که آن عده از کارگران «خوشبخت» ایران که همچنان در پوشش قانون کار باقی می‌مانند، به هر حال همچنان از بسیاری از حقوق خود همچون برخورداری از اتحادیه‌های مستقل، انعقاد قراردادهای دسته‌جمعی، و حق اعتصاب و امثال آن، محروم می‌باشند، چراکه قانون کار رژیم اسلامی، این حقوق را برسمیت نمی‌شناسد. در نتیجه، اعتصابات کارگران برای برخورداری از دستمزدهای به‌تعویق افتاده و پرداخت نشده، با سرکوب نیروهای انتظامی و دستگیری اعتصابیون و فعالین جنبش پاسخ داده می‌شوند.

این سیاست‌های دقیقاً همان سیاست‌هایی است که از سوی صندوق بین‌المللی پول، مورد تمجید قرار گرفته، و به منظور تشویق بیش‌ازپیش دولت ایران، بانک جهانی، نهاد قدرتمند دیگر سرمایه‌داری جهانی، تصمیم به پرداخت وام‌های کلان، و البته با بهره‌های سنگین، به دولت و سرمایه‌داران ایران گرفته است. براساس این تصمیم که در ۲۸ سال گذشته (یعنی از سال ۵۳ و سالهای آخر حیات رژیم سلطنتی)، بی‌سابقه است، نخست وامی به مبلغ ۷۵۵ میلیون دلار، و سپس وام‌هایی تا سقف ۳ میلیارد دلار به سرمایه‌داری ایران پرداخت خواهد شد. از دیگر اقدامات دیگر جهان سرمایه در تقدیر از سیاست‌های ضدکارگری جمهوری اسلامی، می‌توان به موضوع انتخاب ایران در مدیریت سازمان جهانی کار اشاره کرد. سازمانی که قاعدتاً می‌بایست به دلیل اجرای سیاست‌های ضدکارگری از سوی ایران، به اخراج و یا حداقل تعلیق عضویت آن اقدام کند، برعکس، بر سینه آن مدال افتخار می‌آویزد.

### **عرصه اجتماعی و سیاسی!**

امسال در اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، برای نخستین بار در طول حیات ضدبشری رژیم اسلامی، طرح محکومیت ایران به دلیل نقض حقوق بشر، مورد تصویب قرار نگرفت. این درحالی‌ست که بنابر آمار ارائه شده از سوی سازمان‌های طرفدار حقوق بشر، رژیم جمهوری اسلامی به نسبت جمعیت خود، در طول سال گذشته، بیشترین تعداد اعدام‌ها در جهان را داشته است. در ماه‌های اخیر، میادین شهرهای ایران، به محل اعدام‌های خیابانی تبدیل شده‌اند، و وضعیت زندان‌ها بگونه‌ایست که حتی برخی از حکومتیان نیز از وجود و تشدید شکنجه در زندان‌های کشور شکایت دارند. در همین حال، تنها چند روز پس از اخراج کاردار بازرگانی ایران از سوئد، اجلاس اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ، طرح پیشنهادی برخی از اعضای خود مبنی بر قراردادن "بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران به عنوان پیش شرطی برای توسعه روابط اقتصادی سیاسی اتحادیه اروپا و ایران" را رد کرد. به بیان دیگر، اتحادیه اروپا به رهبران ایران اطمینان خاطر داد که اعدام‌های خیابانی، دستگیری مخالفین و شکنجه آنها،

قلع و قمع روزنامه‌های منتقد و قتل‌های زنجیره‌های مخالفین، و بالاخره ترور مخالفین در خارج کشور و خرید سلاح‌های کشتار جمعی، هیچ‌یک مانعی بر سر راه توسعه روابط سودآور اقتصادی طرفین نخواهند بود.

### **رقابت بلوک‌های سرمایه‌داری، یک فرصت طلایی برای رژیم اسلامی!**

حمایت‌های آشکار و نهان اتحادیه اروپا از جمهوری اسلامی ایران را باید در رهگذر اختلاف منافع و رقابت‌های موجود در میان بلوک‌های سرمایه‌داری جهانی، مورد بررسی قرار داد. نقشه استراتژیک آمریکا برای منطقه خلیج فارس و کرانه دریای خزر، در تقابل آشکار با منافع کشورهای اروپایی، روسیه و حتی چین در این منطق قرار دارد. قراردادهای کلان شرکت‌های نفتی اروپایی و روسی در منطقه، در صورت عملی شدن نقشه‌های آمریکا با خطر روبرو خواهند شد (موضوعی که در فرصتی دیگر می‌بایست بطور مفصل‌تری مورد بررسی قرار داد).

درچنین فضایی رهبران رژیم دست خود را برای پیشبرد سیاست‌های خود باز می‌بینند و به همین دلیل است که در کنار کوتاه آمدن‌های آنها در مقابل تهدیدات آمریکا در اینجا و آنجا، همچنان شاهد پیگیری سیاست‌های «مخاطره‌آمیز» از سوی رژیم می‌باشیم. اما در همین جا باید تأکید کرد که اگرچه جهان سرمایه‌داری و در این مورد مشخص اتحادیه اروپا، سیاست‌های خود در قبال ایران را براساس منافع اقتصادی و سیاسی خود تنظیم می‌کنند، اما این به معنای عدم امکان تأییدگذاری ما بر این سیاست‌ها نیست. واقعیت این است که فشار افکار عمومی و جنبش‌های توده‌ای در این کشورها، بارها مسیر این سیاست‌های را به نفع جنبش آزادیخواهی تغییر داده‌اند. جنبش جهانی ضد سرمایه‌داری بطور خاص و جنبش طرفداری از حقوق بشر بطور عام، متحدین قدرتمند توده‌های سیتمدیده ایران هستند و از این رو اپوزوسیون چپ و آزادیخواه ایران، وظیفه دارد که همچون گذشته با جلب حمایت این جنبش‌ها، دولت‌های سرمایه‌داری را وادار به عقب‌نشینی نماید. می‌توان و باید، با افشای چهره ضدانسانی رژیم جمهوری اسلامی، به بیسج افکار عمومی جهان علیه این رژیم و حامیان آن در سطح بین‌المللی پرداخت. این واقعیتی است که حتی جمهوری اسلامی نیز از آن بخوبی مطلع است. بیهوده نیست که در هفته‌های گذشته، همزمان با موفقیت جنبش دفاع از ناصر زرافشان و زندانیان سیاسی ایران در سوئد، روزنامه‌های ایران از آزادی بیش از حد مخالفین خود در سوئد اظهار نارضایتی کردند.